

اصل ۱۱۳ قانون اساسی اختیاراتی برای رئیس جمهوری قرار داده است، ولی ابزار آن را معین نکرده است. آیا این نقض قانون اساسی نیست؟

ابتدا برای روشن شدن بهتر سؤال به قانون مراجعه می‌کنیم، قانون اساسی در اصل ۱۱۳ مقرر می‌دارد که: پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت، اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

قانون اساسی به دو لحاظ حائز اهمیت است: یکی آن که اساس و شالوده نظام، در کلیه شئون کشور در آن ترسیم می‌گردد دیگر آن که تعیین کننده حقوق و تکالیف دولت و ملت می‌باشد. حال برای اجرای صحیح این قانون بنیادین بایستی تدابیری اندیشید لذا قانون اساسی برای پاسداری از این قانون از نظر تقنینی و اجرایی قائل به تفکیک شده است: پاسداری تقنینی بر عهده شورای نگهبان است که از طریق نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و عدم مغایرت مصوبات آنها با شرع و قانون اساسی اقدام می‌نماید. [۱]

پاسداری اجرایی، تحت عنوان «مسئولیت اجرای قانون اساسی» بر عهده رئیس جمهور قرار گرفته است. [۲]

در اجرای اصل ۱۱۳، فصل دوم (مواد ۱۳ تا ۱۶)، قانون تعیین حدود اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مقرراتی را بیان داشته است:

۱- رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم متولی اجرای قانون اساسی می‌باشد.

۲- در صورت مشاهده تخلف از قانون اساسی در دستگاهها، قانونگذار حق هشدار و اخطار به قوای سه گانه را برای رئیس جمهور قائل شده است. این گونه اخطارها هر چند که اثر حقوقی چندانی را به دنبال ندارد اما واجد ارزش سیاسی و تبلیغاتی می‌باشد و زمینه را برای احترام به قانون اساسی فراهم می‌سازد. [۳]

حال سؤال پیش می‌آید که چرا قانون فوق استفاده از مسئولیت اجرا را مقید به این شرایط کرده است؟ برای روشن شدن مطلب به اصل ۵۷ قانون اساسی مراجعه می‌کنیم که مقرر می‌دارد: ...این قوا (قوای سه گانه) مستقل از یکدیگرند.

حال منظور از استقلال چیست؟ استقلال قوا به دو صورت مطلق و نسبی و یا همکاری قوا می‌باشد. استقلال مطلق قوا به شکلی از حکومت می‌گویند که هر کدام از قوا دارای برنامه تخصصی و جدا از هم هست به نحوی که هیچ‌کدام در کارهای قوای دیگر دخالت نمی‌کنند اما در استقلال نسبی قوا در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توانیم بگوییم که در قانون اساسی ما استقلال نسبی قوا پیش‌بینی شده است و لذا هر کدام از قوای سه‌گانه خود دارای اختیاراتی هستند. وقتی قدرت تقسیم می‌شود به همان نسبت اختیارات محدودیت پیدا می‌کند لذا وقتی رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است طبق فصل دوم قانون مربوط به اصل ۱۱۳، اختیارات را مشخص می‌کند لذا نقضی وجود ندارد.

در ادامه می‌پردازیم به قسمت اول سؤال که ابزارهای رئیس‌جمهوری کدام است اول نکته‌ای که باید روشن شود اینکه وقتی اختیارات رئیس‌جمهوری مشخص می‌شود بر مبنای استقلال نسبی قوا ابزارها در حیطه اختیارات رئیس‌جمهور است با مراجعه به فصل نهم قانون اساسی و مطالعه اصول یکصد و سیزدهم تا اصل یکصد و چهل و یکم می‌توان به اختیارات و ابزارهای رئیس‌جمهور و دولت پی برد علاوه بر آن که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بر اختیارات رئیس‌جمهور با حذف پست نخست‌وزیری افزوده شد.

طبق اصل ۱۲۴ رئیس‌جمهور می‌تواند برای انجام دادن وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد، طبق اصل ۱۳۶ رئیس‌جمهور در عزل و وزراء اختیار کامل دارد، طبق اصل ۱۲۶ مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی و تقدیم بودجه به مجلس با رئیس‌جمهور است، طبق اصل ۱۲۵ اختیار امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها... به عهده او است طبق اصل ۱۳۶ تأیید مصوبات کمیسیونهای دولت به عهده رئیس‌جمهور است. علاوه بر این موارد ریاست شورای عالی امنیت ملی، ریاست شورای انقلاب فرهنگی، مسئولیت اجرای بازنگری قانون اساسی را بر عهده دارد و نیز سازمان انرژی اتمی و تربیت بدنی زیر نظر ریاست جمهوری است. [۴]

با نگرش به مطالب فوق می‌بینیم که ریاست محترم جمهوری دارای اختیار و امکان زیادی برای اجرای قانون اساسی هستند و با نگاهی دوباره به اصل ۱۱۳ مسئولیت اجرا به گونه‌ای است که اگر تخلفی مشاهده شود رئیس‌جمهور اخطار لازم را داده و متهم را به محاکم قضایی معرفی می‌کند که این معنی استقلال قوا در قانون اساسی ما است و چنانچه ابتدا خاطر نشان ساختیم نظارت تقنینی با

شورای نگهبان و نظارت اجرایی با رئیس جمهور بوده و نظارتهای استصوابی در قانون برای هر سه قوه نیز مطرح می‌باشد.

پاورقی ها:

[۱] اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[۲] اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

[۳] محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران جلد دوم حاکمیت و نمادهای سیاسی -تهران — دانشگاه بهشتی - ۱۳۷۲ - ص ۳۸۴.

[۴] محمد هاشمی - حاکمیت و نمادهای سیاسی جلد دوم — تهران — دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۷۲ - ص ۴۰۵.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه